

سوره مبارکه فصلت آیه ۳۰

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿۳۰﴾

به یقین کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداوند یگانه است!» سپس استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که: «ترسید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما به آن بهشتی که به شما وعده داده شده است.

ما در خصوص پیشرفت دیگران قالباً سه نوع موضع می‌گیریم:

۱- شانس را مطرح می‌کنیم که مثلاً شانس با کسی یار بود و ما با هم شروع کردیم و سالیان سال با هم بودیم و شانس با آن یار بود و پیشرفت کرد که البته چیزی جز توهم نیست، شاید یکی از علت‌ها این بوده که در گذشته یه عده افراد ضعیف، می‌دیدند که یه عده یک شبه پولدار می‌شده‌اند (البته به زعم خودشان) و کم‌کم این تبدیل به فرهنگ شده است که یک عده شانس دارند و ما شانس نداریم.

۲- یه عده هم این موضوع را می‌اندازند گردن قضا و قدر، باز این یه مقدار بهتر است اما درست نیست، یه عده سر همین موضوع جبرگرا شده‌اند و یک عده هم اختیارگرا، باز این بهتر است اما این هم اشتباه هست و واقع مطلب این است که اینطور نیست، کسی مفهوم قضا و قدر را بفهمد می‌بیند که اشتباه هست، قدر الهی به آن علم خدا می‌گویند که به خصوصیات موجودات، عالم است و از آن طرف که این موجود با این خصوصیات چه زمانی باید به وجود بیاید و چه زمانی باید از بین برود و عوامل بوجود آوردنش چه چیزی باشد و ... می‌شود قضای الهی. حالا اگر به سراغ این افراد بریم و بگوئیم علت این پیشرفت‌ها و عقب افتادگی‌ها چی است، چطور این را حل بکنیم؟ عالم طبیعت عالم اسباب و مسببات است، خداوند متعال که ما بهش می‌گوئیم ولله العزیز الحکیم که خداوند متعال حکمت داره و از رو حکمت هر کاری و انجام می‌دهد، این کار عبسی است که خداوند متعال بیاد و انسان و عالم را با حکمت خلق بکنه و بعد در نهایت حوادثی که برای انسان پیش می‌آید را بدون علت و دلیل برایش پیش بیاورد، اینگونه نیست که خداوند بگه که ملائکه بیائید من هرچیزی را می‌گویم بر پیشانی اون بنویسید. اینکه اگر بچه‌ای از راه پله بیافتد

و بمیرد و یا فلج بشود اینطور نیست که خداوند برایش این سرنوشت را نوشته باشد، و باید این اتفاق برایش بیافتد. خداوند متعال نوشته است که یکی از عوامل افتادن بچه می تواند این باشد که راه پله نرده ندارد، و اگر در باز باشد و راه پله هم نرده نداشته باشد مسلماً بچه خواهد افتاد، اینطور نیست که خدا برایش این را نوشته باشد.

۳- دیدگاه سوم این است که بیاییم تمام پیشرفت ها و تمام پسرفت ها را به گردن خودش ببندازیم و بگوئیم اگر کسی به جایی رسید دارد نان تلاش و پشتکار خودش را می خورد و اگر کسی نرسید نتیجه ی تنبلی خودش است. اگر کسی رسید دارد نان استقامت خودش را می خورد، تلاش کرده در این راه ، شب بیداری ها کشیده، زحمت کشیده، خون دل ها خورده، محرومیت ها تحمل کرده تا رسیده به اینجا، ما در این خصوص ضرب المثل های زیادی هم داریم. مثلاً هرچه پول بدهی همان مقدار آش می خوری، یعنی هرچی زحمت بکشی نتیجه می گیری. نابرده رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

استقامت در زندگی ما ، در گفتمان ما جریان دارد، اما متأسفانه نگاه ما به استقامت نگاه نظری است و فقط از دور می گوئیم به به، در هر عرصه ای استقامت لازم است و مهمترین آن در راه تقرب خدا است.

امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمایند اگر کسی استقامت کند به فلاح و رستگاری می رسد، هرچی کرامت از بزرگان سراغ داریم همه از استقامت است.

پیغمبر وارد جمعی شد و در میان اصحاب فرمود ایها الناس اتقوا الله وستقیمو الیه و بعد فلسفه استقامت رو می فرمایند: فان الاستقامته درجه بها کمال الامور و نظامها، درجه ای است که اگر بخواید هرکاری به اوج کمالش برسد با این می رسد، و اگر کسی بخواهد به خیر برسد، به تمام خوبی برسد باید استقامت کند

به مرحوم آیت الله کشمیری گفتند آقا این بیت که حافظ می گوید

قومی به جد و جهد نمایند وصل دوست قوم دگر حواله به تقدیر می کنند

شما با کدام موافق هستید؟ گفت اولی . بعد فرمود با تنبلی کسی به جایی نمی رسد



عضویت شما در کانال تلگرام هیئت محبان المهدی عجل الله فرجه @moheban_mahdi

جهت دریافت پیامک اطلاع رسانی برنامه های هیئت

وبلاگ هیئت moheban.blog.ir

نام و نام خانوادگی را به شماره ۰۹۱۹۲۶۹۴۲۹۵ پیامک کنید.